

استقرارگاه‌های دوره‌مس و سنگ میانی (فرسنگ دالما) دشت سنقر و کلیایی، کرمانشاه

دکتر محمود حیدریان*، محسن زینی‌وند** و حمید حریریان***

* استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

با وجود اینکه دوره پیش از تاریخ (خصوصاً دوره مس و سنگ) غرب زاگرس مرکزی تا حدودی شناخته و به خوبی بررسی شده، اما دشت سنقر و کلیایی از بررسی و پژوهش‌های هدفمند باستان‌شناسان خارجی و متعاقباً ایرانی بی‌نصیب مانده بود؛ تا اینکه در دو بررسی اخیر سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸ تعداد ۳۳ محوطه مس و سنگ شناسایی و از این میان ۹ محوطه دربردارنده سفال‌های نوع دالما است. تمامی نه محوطه در کنار منابع آب و اکثراً در دامنه ارتفاعات، جاییکه دسترسی به مراتع به سهولت صورت می‌گرفته، قرار دارند. با توجه به وسعت کم استقرارگاه‌ها و موقعیت مکانی آنها، این محوطه‌ها احتمالاً روستاهای کوچکی بوده‌اند که به صورت یکجانشین یا نیمه یکجانشین مورد استفاده بوده و ساکنان آنها می‌توانستند از طریق رمه‌داری معیشت خود را تأمین نمایند. اهمیت نوشتار حاضر از این رو است که می‌تواند آگاهی‌های درخور توجهی را در رابطه با این فرهنگ و ارتباط با مناطق همجوار همچون کنگاور، ماهیدشت و جنوب کردستان در اختیار بگذارد.

واژگان کلیدی: سنقر و کلیایی، دوره‌مس و سنگ، فرهنگ دالما، سفال، زاگرس مرکزی.

درآمد

نبود؛ در عوض سنت سفالی گسترده دالما بازتابی از تقسیمات غیرمتمرکز یک گروه نژادی با ویژگی‌هایی مانند زبان، نظام اجدادی پراکنده و یا احتمالاً یک عقیده و اعتقاد مذهبی دانسته شده است (Henrickson & Vitali, 1987). بر همین اساس به احتمال یک همگرایی فرهنگی در این دوره در بخش‌های مورد اشاره در فلات ایران حاکم بوده است. با این وجود پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که گسترش این فرهنگ بیشتر انتشارگرایی را پیشنهاد می‌کند تا جابجایی قومی (Hole, 2011; Tonoike, 2009). بنابراین شاید تصور شود برخی از

در فلات ایران، سنت سفالگری دالما نخست در بخش‌هایی از شمال غرب ایران در نیمه دوم هزاره پنجم پ.م. آغاز و سپس به مناطقی از زاگرس مرکزی و شمال غرب فلات مرکزی گسترش پیدا کرد و تا نیمه اول هزاره چهارم پ.م. تداوم یافت. اگرچه تاکنون محوطه‌های دالمایی چندانی بطور گسترده کاوش نشده، اما مدارک حاصل از بررسی‌ها و کاوش‌های موجود نشان می‌دهند که فرهنگ دالما از لحاظ سیاسی و اقتصادی پیچیده

منطقه مورد مطالعه

شهرستان سنقر با ۲۳۲۰ کیلومتر مربع مساحت و با مختصات جغرافیایی ۴۷ درجه و ۲ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۵۴ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۳۴ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۶ دقیقه عرض شمالی از خط استوا در بخش شمال شرقی استان کرمانشاه و در ارتفاع ۱۷۰۰ متری از سطح دریا واقع شده است. این شهرستان از شمال و شمال غربی با استان کردستان، از شرق با استان همدان و از جنوب با شهرستانهای کنگاور و صحنه همسایه است (شکل ۱).

شهرستان سنقر از نظر ریخت‌شناسی در ناحیه‌ای کوهستانی واقع شده و با کوه‌های مرتفع، محصور شده است. در نواحی شمالی و مرکزی، روند ناهمواریها غربی-شمال غربی و شرقی-جنوب شرقی است ولی مناطق جنوبی و جنوب غربی از روند اصلی زاگرس، شمال غربی-جنوب شرقی، تبعیت می‌کنند. از لحاظ زمین‌شناسی ساختاری، ناحیه سنقر در زون سنندج - سیرجان واقع شده است. از ویژگی‌های کلی این ناحیه می‌توان به وجود فعالیت شدید تکتونیک در ناحیه سنقر و مشکل دستیابی به یک ستون چینه‌شناسی مشخص به دلیل حضور فعالیت‌های مختلف دگرگونی و نفوذ توده‌های ماگمایی اشاره نمود. مهمترین دشت‌های این شهرستان، دشت‌های سنقر و گاوردند. دشت سنقر با مساحتی در حدود ۲۶۵ کیلومتر مربع و ارتفاع ۱۷۵۰ متر از سطح دریا در قسمت مرکزی این شهرستان واقع شده و دشت گاوردند نیز با مساحتی بالغ بر ۹۸۵ کیلومتر مربع در قسمت شمالی شهرستان سنقر قرار گرفته است (مویدی، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۵).

از مهم‌ترین شریان‌های دائمی این حوضه جغرافیایی می‌توان به رودهای گاوردند و جامیشان اشاره نمود. گاوردند و ریزابه‌های آن در نهایت به سیروان و سپس به خارج از کشور هدایت می‌شود. سایر رودها جزو حوضه آبریز داخلی یا حوضه سیمره (حوضه علیای کرخه) محسوب می‌شوند.

پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی منطقه

این منطقه از دیدگاه مطالعات باستان‌شناسی کم‌شناخته شده، شاید بتوان غلامرضا معصومی را نخستین کسی دانست که در

این سفال‌ها توسط کوچ‌نشین‌هایی که با روستاها ارتباط داد و ستدی داشته‌اند، حمل شده باشد (Tonoike, 2009).

سنت سفال و فرهنگی دالما در ابتدا تنها به شناسایی در کاوش برخی از محوطه‌های حسلو، پیزدلی در شمال غرب، سه‌گابی، گودین، سیاه‌بید و چغاماران در زاگرس مرکزی و در برخی محوطه‌های میان‌رودان در مناطق جبل‌حمرین و همچنین کرکوک (بنگرید به Henrickson & Vitali, 1987) و در بررسی‌های صورت گرفته در مناطق فوق، به اتفاق بخش‌هایی از لرستان شمالی محدود می‌شد، اما در پژوهش‌های انجام گرفته در چند سال اخیر محدوده این فرهنگ فراتر رفته و در کاوش‌ها و بررسی‌های حاشیه شمال غربی مرکز فلات ایران (عالی، ۱۳۸۶؛ کاظم‌پور عصمتی، ۱۳۸۸؛ خسروی و دیگران، ۱۳۸۸؛ مجیدزاده، ۱۳۸۹؛ Alibaigi, 1978 & 1981; Majidzade, 2012 et al.), در دشت‌های اسلام‌آباد (Abdi, 2002)، بیجار و قروه (ساعد موجشی، ۱۳۹۰)، کامیاران (نوری، ۱۳۹۰؛ ۱۳۸۹؛ بختیاری، ۱۳۸۷)، سرفیروزآباد کرمانشاه (حیدری، ۱۳۸۹؛ نیکنامی، ۱۳۹۰)، حوضه سد سیمره در پیشکوه جنوبی لرستان (مقدم و دیگران، ۱۳۸۷؛ مهاجری‌نژاد و سراقی، ۱۳۸۹)، در زاگرس مرکزی و همچنین حوزه شمال غرب ایران (Hamlin, 1975) آثار قابل توجهی از این فرهنگ شناسایی شده است. علاوه بر اینها در بررسی‌های باستان‌شناختی انجام گرفته در دشت سنقر و کلیایی نیز مجموعه سفالی غنی از نه محوطه شناسایی و گردآوری شد (حیدریان، ۱۳۸۳؛ ۱۳۸۸) که مواد مطالعاتی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. این منطقه به واسطه قرارگیری در مرکز حوزه زاگرس مرکزی یکی از مناطق مهم در مطالعات باستان‌شناختی محسوب می‌شود که به دلایلی همچون محصور بودن در ارتفاعات و دسترسی دشوار همواره از پژوهش‌های فراگیر گذشته به خصوص دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به دور مانده و از همین روی انتشار اینچینی علاوه بر افزایش شناخت و آگاهی ما از فرهنگ‌های پیش از تاریخی منطقه، موجب فراهم آمدن زمینه و بستری مناسب برای تحلیل برهمکنش‌های دوره مس و سنگ به صورت فراگیرتر منطقه‌ای در مطالعات آینده خواهد شد.

دالمایی شناسایی شده پرداخته می‌شود:

تپه ورز (SK. 190)

طول جغرافیایی: ۴۷ ۲۲ ۱۵

عرض جغرافیایی: ۳۵ ۰۱ ۰۹ ارتفاع: ۱۸۵۷ متر

این تپه در ۱۷۰ متری ضلع شمال شرقی روستای سلطانیه واقع شده اما جزء زمین‌های روستای قلعه جبرئیل است و در دهستان آگاهان قرار دارد. این تپه دارای ابعاد ۶۰×۷۰ متر و ارتفاع حدود سه متر نسبت به سطح زمین‌های زراعی بخش غربی است (تصویر ۱). اراضی اطراف تپه را زمین‌های کشاورزی در بر گرفته و سطح آن نیز به زیر کشت رفته است. وضعیت حفاظتی این محوطه در حال حاضر نامطلوب است. علاوه بر آنکه توسط کشاورزان بخش‌هایی از آن تسطیح شده، در سطح آن چندین مورد حفاری غیرمجاز نیز انجام گرفته است. اکثر سفال‌های این محوطه مربوط به سنت سفالگری دالما (تصویر ۵) است که شامل منقوش تک‌رنگ، رگه‌رگه، ساده با لعاب غلیظ و فشرده نیشگونی و فشار انگشتی است. بخش اندکی از مجموعه نیز در بردارنده سفال‌های نوع سه‌گابی است. بر اساس یافته‌های گردآوری شده این محوطه مربوط به دوره مس و سنگ میانی و تک دوره‌ای است. گاهنگاری پیشنهادی: مس و سنگ میانی.

تپه قل قله (SK. 209)

طول جغرافیایی: ۴۷ ۲۳ ۱۰

عرض جغرافیایی: ۳۴ ۵۳ ۲۱ ارتفاع: ۱۶۷۴ متر

این تپه در ۱۹۰۰ متری بخش جنوب غربی روستای نصرت‌آباد در دهستان آگاهان بخش کلیایی قرار دارد. این تپه طبیعی دارای ارتفاع حدود دو متر نسبت به سطح چم قل قله در ضلع شرقی و در میان زمین‌های زراعی شکل گرفته است. حالت تپه بیضی و وسیع و دارای ۱۲۰ متر طول شرقی - غربی، ۷۰ متر عرض شمالی - جنوبی و حدود ۸۴۰۰ متر مربع وسعت دارد. از شمال، غرب و جنوب با شیب کمی به سطح صاف زمین‌های کشاورزی و از شرق با شیبی ۱۵ درجه‌ای به مسیل و چم قل قله منتهی می‌شود. سطح تپه در دامنه شرقی مرتع و پوشیده از

منطقه سنقر به فعالیت باستان‌شناسی پرداخته است. وی در سال ۱۳۵۷ با بررسی منطقه، ۱۶ محوطه باستانی آنرا شناسایی و میله‌گذاری کرده و در تعدادی از آنها به گمانه‌زنی پرداخته است (معصومی، ۱۳۸۳: ۱۹۰).

حفاری نجات‌بخشی یوسف مرادی در تپه جنانی که در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳ در دو فصل صورت گرفته، دیگر فعالیت باستان‌شناسی منطقه است. وی این محل را استقرارگاهی از دوره ایلخانی می‌داند و معتقد است که مواد دوره اشکانی که در کاوش به دست آمد، همراه با خاک و مصالح مورد نیاز به محل آورده شده است (مرادی، ۱۳۸۳).

در سال ۱۳۸۳ نیز، حیدریان یک فصل بررسی باستان‌شناسی سنقر را انجام داد که شناسایی ۸۳ محوطه باستانی از دوره‌های مختلف پیش از تاریخی (مس و سنگ، مفرغ و آهن)، تاریخی (اشکانی و ساسانی) و اسلامی (قرون اولیه و میانه) را در برداشت (حیدریان، ۱۳۸۳). وی یک سال بعد در راستای پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، تپه پیش از تاریخی و تاریخی خدایی را مورد بررسی روشمند قرار داد (حیدریان، ۱۳۸۵). در سال ۱۳۸۸ امیر بشکنی به بررسی غارها و پناهگاه‌های سنگی منطقه پرداخت و در نتیجه چندین محوطه را شناسایی نمود (بشکنی، ۱۳۸۸؛ بشکنی و دیگران، ۱۳۹۱)؛ غار بهلول با آثاری از پارینه سنگی میانی از جمله شاخص‌ترین این محوطه‌ها است (بشکنی و دیگران، ۱۳۸۸). حیدریان در سال ۱۳۸۸ فصل دوم بررسی‌های تکمیلی را به پایان رساند (حیدریان، ۱۳۸۸).

مواد و روش‌ها

طی دو فصل بررسی در منطقه سنقر و کلیایی (حیدریان، ۱۳۸۳؛ ۱۳۸۸) ۳۳ محوطه از دوره مس و سنگ شناسایی شد که از این تعداد نُه محوطه دارای سفال‌های دالما هستند و مواد مطالعاتی پژوهش ما را تشکیل می‌دهند. تعداد محوطه‌های این دوره نشان‌دهنده افزایش جمعیت و رشد شمار استقرارها نسبت به دوره قبل است. ذکر آن لازم است که در حوزه مورد مطالعه، تنها سه محوطه (خدائی، شیخ جلیل و آب‌ناز) در بردارنده بقایای دوره نوسنگی جدید و مس و سنگ قدیم هستند (خطیب شهیدی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۶). در ادامه به تفکیک به محوطه‌ها

غربی - جنوب شرقی و ۱۰۰ متر عرض و حدود ۱۲۰۰۰ متر مربع وسعت است. از غرب و شرق با شیب ۱۰ درجه‌ای به سطح زمین‌های کشاورزی و از شمال با شیبی پنج درجه‌ای به جاده شوسه به روستای ده شیخ منتهی می‌شود.

اغلب سطح تپه به استثنای ضلع جنوبی که مرتع است زیر کشت محصولات زراعی است. وضعیت حفاظتی این تپه در حال حاضر نامطلوب بوده و بر روی آن فعالیت‌های کشاورزی صورت می‌گیرد و در قسمت غربی توسط جاده شوسه بریده می‌شود. این تپه نیز یکی از استقرارهای شکل گرفته در حاشیه گاورود است که چسبیده به ضلع جنوبی آن جریان دارد. گونه-های سفال دالمایی محوطه مذکور، فشرده انگشتی و ساده با لعاب غلیظ است. گاهنگاری پیشنهادی: دوره مس و سنگ میانی.

تپه نادعلی بیگ (SK. 218)

طول جغرافیایی: ۳۷ ۲۷ ۴۷

عرض جغرافیایی: ۳۴ ۴۴ ۱۵ ارتفاع: ۱۶۱۸ متر

این تپه در یک کیلومتری بخش جنوبی روستای گلویج در دهستان سراب، بخش کلیایی قرار دارد. ارتفاع آن نسبت به زمین‌های همجوار ۵/۵ متر و دارای ابعاد ۱۰۰ × ۱۴۰ متر است. سطح تپه در رأس و تمام اضلاع به سمت عرصه به استثنای ضلع غربی که جاده خاکی است زیر کشت محصولات زراعی آبی قرار دارد (تصویر ۳). منبع تامین آب محوطه در حال حاضر، چشمه و سراب گلویج است که از شمال به جنوب در بخش شرقی محوطه جریان دارد. وضعیت حفاظتی این محوطه در حال حاضر نامطلوب است و علاوه بر فعالیت‌های کشاورزی در قسمت‌های زیادی مورد تعرض حفاران قاچاق قرار گرفته است. انواع سفال‌های دالمایی گردآوری شده از سطح این محوطه شامل نوع منقوش (طرح‌های ۱، ۳ تا ۵ و ۳۳) و انواع فشرده نیشگونی (طرح ۲)، فشار انگشتی (طرح ۶) و ناخنی (طرح ۳۲) می‌شود.

گاهنگاری پیشنهادی: دوره مس و سنگ میانی (مرحله دالما) و دوره مس و سنگ جدید.

گیاهان خودرو و در بقیه اضلاع زیر کشت محصولات زراعی است. سفال‌های این محوطه شامل فشرده فشار انگشتی و ساده با لعاب غلیظ قرمز رنگ دالمایی است (طرح‌های ۱۰-۱۲). گاهنگاری پیشنهادی: مس و سنگ میانی.

تپه کلک جار (SK. 199)

طول جغرافیایی: ۴۷ ۲۰ ۱۳

عرض جغرافیایی: ۳۴ ۵۹ ۳۹ ارتفاع: ۱۸۲۲ متر

این تپه در ۱۹۰۰ متری بخش شمالی روستای آسیاب خوب در دهستان آگاهان، بخش کلیایی قرار دارد. این تپه دارای ارتفاع حدود دو متر نسبت به سطح زمین‌های زراعی ضلع شرقی است (تصویر ۲)؛ البته ارتفاع خیلی بیشتر از این بوده و فعالیت‌های کشاورزی و فرسایش به تپه آسیب فراوانی وارد آورده است و در حال حاضر وضعیت نامطلوبی دارد. تپه از تمام اضلاع شیب ۱۰ درجه‌ای به زمین‌های صاف و هموار دارد. شکل تپه گرد و دارای حدود ۹۵۰۰ متر مربع وسعت است. چشمه قلعه کهنه در شمال غربی و چم روستا در ضلع شرقی از جمله منابع آبی حال حاضر محوطه محسوب می‌شوند. سطح تپه در رأس و دامنه‌ها و تمام عرصه و حاشیه آن زمین‌های زراعی است. سفال‌های نوع دالمای این محوطه شامل منقوش دالما - عبید (DUP) (طرح ۳۶)، تک رنگ (طرح‌های ۱۳، ۱۹ و ۲۰)، ساده با لعاب غلیظ (red slip) و فشرده فشار انگشتی و نیشگونی (طرح‌های ۷ تا ۹) می‌شود.

گاهنگاری پیشنهادی: دوره مس و سنگ میانی (مرحله دالما)، دوره مس و سنگ جدید و دوره تاریخی.

تپه کلاوه ویل (خرابه‌ها) (SK. 212)

طول جغرافیایی: ۴۷ ۲۶ ۲۵

عرض جغرافیایی: ۳۴ ۵۲ ۵۶ ارتفاع: ۱۶۸۱ متر

این تپه در ۱۵۰ متری بخش شرقی روستای چخرچای در دهستان سطر، بخش کلیایی قرار دارد. این تپه دارای بستری سنگلاخی و ارتفاع حدود ۳/۲۰ متر نسبت به سطح جاده خاکی ضلع غربی است. شکل تپه بیضی و دارای ۱۲۰ متر طول شمال

شیخ جلیل (SK. 063)عرض جغرافیایی: $34^{\circ} 34' 20''$ طول جغرافیایی: $47^{\circ} 46' 50''$ ارتفاع: ۱۹۷۶ متر

این تپه که یکی دیگر از معدود تپه‌های مهم در مطالعه سیر فرهنگی این منطقه است در ۳۵۰ متری ضلع شمالی روستای چوگان قرار دارد و در محل به شیخ جلیل معروف است. از اطراف دارای شیب بسیار کمی بوده و قاعده آن به صورت بیضی، دارای ۶۳ متر طول، ۴۷ متر عرض و $2/40$ متر ارتفاع نسبت به ضلع جنوبی است. سطح تپه به زیر کشت رفته و اطراف آن را باغ و زمین‌های زراعی فرا گرفته است. وضعیت حفاظتی این محوطه در حال حاضر نامطلوب است. تراکم یافته‌های سفالی بر سطح محوطه شیخ جلیل متوسط است و علاوه بر سفال، تکه‌های شیشه، استخوان و مصنوعات سنگی نیز یافت می‌شوند. سفال‌های گونه دالمایی گردآوری شده از سطح محوطه شیخ جلیل شامل منقوش تک رنگ، فشرده انگشتی و ساده با پوشش غلیظ می‌شوند.

گاهنگاری پیشنهادی: دوره نوسنگی، دوره مس و سنگ میانی (مرحله دالما)، دوره مس و سنگ جدید، دوره برنز قدیم و دوره تاریخی.

آب‌ناز (SK. 081)عرض جغرافیایی: $34^{\circ} 44' 56''$ طول جغرافیایی: $47^{\circ} 42' 27''$ ارتفاع: ۱۸۶۰ متر

درفاصله ۱۸۰۰ متری جنوب شرقی روستای مارانگاز و در ۸۰۰ متری تپه قبرستان (SK. 078) تپه‌ای باستانی قرار دارد که در محل آب‌ناز نامیده می‌شود. قاعده آن گرد و دارای ۴۴ متر طول، ۳۲ متر عرض و $5/20$ سانتی‌متر ارتفاع نسبت به جاده خاکی مزارع در غرب است. اطراف این تپه را زمین‌های زراعی و باغات فرا گرفته است. با توجه به وضعیت زیست محیطی و وجود رودخانه فصلی و چشمه‌ای موسوم به خورخوره در ۲۰ متری ضلع جنوبی تپه که امروزه در حال جوشیدن است، می‌توان این محل را یکی از محوطه‌های استقرار حوضه این رودخانه محسوب نمود. با توجه به توالی فرهنگی پیش از

تاریخی موجود در این محوطه، به نظر می‌توان آن را یکی از محوطه‌های پُر اهمیت دشت سنقر قلمداد نمود. علاوه بر سفال‌های جی (مس و سنگ قدیم) و نخودی بر روی سیاه (BOB) نوع سه‌گابی، سفال منقوش تک رنگ تنها گونه سفالی سنت دالما در این محوطه شمرده می‌شود.

گاهنگاری پیشنهادی: دوره نوسنگی جدید، دوره مس و سنگ قدیم (سفال جی)، دوره مس و سنگ میانی (مرحله دالما) و دوره مس و سنگ جدید.

کود مزرع (SK. 042)عرض جغرافیایی: $34^{\circ} 59' 37''$ طول جغرافیایی: $47^{\circ} 38' 10''$ ارتفاع: ۱۹۶۶ متر

درفاصله یک کیلومتری ضلع شرقی روستای سالارآباد، قرار دارد و قاعده آن گرد و دارای ۳۸ متر طول، ۳۳ متر عرض و $11/80$ متر ارتفاع نسبت به زمین‌های اطراف است. امروزه چشمه موسوم به خرنیکه در ۱۰۰ متری ضلع جنوبی تپه قرار دارد. وضعیت حفاظتی محوطه کرمزرع در حال حاضر مطلوب است. تراکم سفال و دیگر یافته‌های فرهنگی در سطح این محوطه نسبتاً کم است. انواع سفال دالمای گردآوری شده از این محوطه شامل منقوش تک‌رنگ و ساده با پوشش غلیظ است.

گاهنگاری پیشنهادی: دوره مس و سنگ میانی (مرحله دالما) (تصویر ۷)، دوره مس و سنگ جدید، دوره مفرغ قدیم، دوره تاریخی (اشکانی و ساسانی) و اسلامی.

تپه خدائی (SK. 049)عرض جغرافیایی: $34^{\circ} 42' 42''$ طول جغرافیایی: $47^{\circ} 44' 37''$ ارتفاع: ۱۸۷۳ متر

تپه خدائی از معدود محوطه‌هایی است که در مطالعه سیر تحول فرهنگی این منطقه اهمیت خاصی دارد. تپه دارای شیب تندی به اطراف است و در جنوب از شیب آن کاسته می‌شود. سطح قاعده آن به صورت بیضی، دارای ۳۴ متر طول، ۲۲ متر عرض و $6/30$ متر ارتفاع نسبت به ضلع شمالی است (تصویر ۴). پوشش گیاهی سطح تپه مرتع و اطراف آن کلاً زراعی است. در حال حاضر در ضلع غربی تپه، یک قنات قرار دارد.

Levine & Young,) و (Levine, 1974: 65, fig. 9: 11
 19.1, 18.1, 17.1, 21.6 (1986: 22, fig. 4: 19.1, 18.1, 17.1, 21.6
 منقوش تپه دالما در آذربایجان (Hamlin, 1975: p. 121,)
 fig. 4: f (fig. 4: f) مطابقت دارند. البته بسیاری از نمونه‌ها از نظر فرم با
 ظروف با لبه ساده کمی به داخل برگشته از تپه B سه‌گابی
 (Young & Levine, 1986: 22, fig.4: 21.1) مشابه
 هستند.

نوع دیگر سفال منقوش با تزئین رگه‌رگه است (طرح‌های
 ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۳۰ و ۴۰). این سفال متفاوت از دو گروه
 دیگر، یعنی نمونه‌های دالمای تک رنگ و دو رنگ است.
 دارای نقش‌های متراکم و انبوه و با رگه‌رگه‌های متمایز و بدون
 الگوهای واقعی هستند. این ظروف اغلب بعد از نقاشی صیقل
 شده‌اند و شکل ظروف اغلب شبیه دالمای تک رنگ است.
 این نمونه‌ها قابل مقایسه با سفال‌های محوطه‌های سه‌گابی
 (Henrickson, 1983: 267, fig. 59: 38. 1-4; p. 270,)
 (Hamlin, 1975: fig. 4: D) و دالما تپه (fig. 60: 42.1)
 هستند.

گونه دیگر سفالی دالمای فشاری است. سطح این نوع
 سفال‌ها با روش‌های مختلف تزئین شده است. نقوش این نوع
 سفال را نقش‌های ناخنی کنده (طرح ۳۷)، انگشتی فرو رفته یا
 فشاری انگشتی (طرح‌های ۶، ۸، ۱۱، ۱۲ و ۲۹) و نیشگونی
 (طرح‌های ۲، ۳۲ و ۳۸) تشکیل می‌دهند. از لحاظ شکل، ظروف
 مشابه دالمای منقوش هستند، لیکن با سطحی دارای لعاب
 ضخیم به رنگ قرمز تیره یا با لعاب قهوه‌ای هستند. تعدادی از
 این ظروف بصورت ساده و با پوشش رقیقی از گل سفال با
 دست پرداخته شده‌اند. نمونه‌های بدست آمده از این نوع، قابل
 مقایسه با سفال مشابه در تپه دالما (Hamlin, 1975: 125, fig.)
 (8:c)، سه‌گابی (Levine & Young, 1986: 24, fig. 2)،
 پیشکوه لرستان (Goff, 1971: 138, fig. 3: 32, 33, 35,)
 (36,45) و سیاه‌بید (Levine & Young, 1986: 31, fig.)
 (13) است.

بحث و برآیند

همانطور که در ابتدای نوشتار به آن اشاره شد دانسته‌های ما در

بخش اعظم تپه در سال‌های اخیر توسط روستائیان به منظور
 کشاورزی برش خورده و تسطیح شده است، بطوریکه طول
 بخش سالم تپه در جهت شرقی - غربی حدود ۵۰ متر و عرض
 تپه در جهت شمالی - جنوبی حدود ۴۵ متر است. اما آثار بر
 جای مانده سطحی نشان می‌دهد که این محوطه باستانی ابعادی
 به طول تقریبی ۱۲۰ متر در جهت شرقی - غربی و عرضی حدود
 ۱۱۰ متر در جهت شمالی - جنوبی داشته است. یعنی وسعت آن
 در حدود ۱۳۲۰۰ مترمربع است. سفال نوع دالمای این محوطه
 شامل منقوش دو رنگ، تک رنگ و دالما عبید (طرح‌های ۱۴ -
 ۱۷)، فشرده کنده (طرح ۱۸) و ناخنی (طرح ۳۷) است.

گاهنگاری پیشنهادی: دوره نوسنگی، دوره مس و سنگ قدیم
 (ظروف جی)، دوره مس و سنگ میانی (مرحله دالما) (تصویر
 ۸)، دوره مس و سنگ جدید (مرحله گودین VI و VII)، دوره
 مفرغ قدیم (فرهنگ یانوق، گودین IV)، هزاره اول ق.م. و دوره
 میانه اسلامی.

از بررسی این محوطه‌ها سفال‌های قرمز ساده، منقوش و
 نقش کنده و فشاری به دست آمد. در برخی از نمونه‌های یاد
 شده چند نوع شناسایی شدند که در ادامه به ترتیب به آنها
 اشاراتی می‌شود. این ظروف همگی دست‌ساز و مغز آنها
 دودزده و تیره است. از نظر فرم و نقوش به کار رفته روی این
 ظروف شباهت بسیار نزدیکی با محوطه‌های دالما تپه (Hamlin,
 1975) ، سه‌گابی (Levine & Young, 1986; Young &)
 (Levine, 1974، سیاه‌بید (Henrickson, 1983; 1985) و
 محوطه‌های شمال پیشکوه لرستان (Goff, 1971) دیده می‌شود.
 سفال‌های منقوش تک رنگ و دو رنگ از نمونه‌های به
 دست آمده (طرح‌های ۱، ۳، ۵، ۱۳ تا ۱۷، ۲۱، ۲۳، ۲۵ تا ۲۸، ۳۳
 تا ۳۶، ۳۹ و ۴۱) که معمولاً سفالینه پوک (سبک) با ماده
 چسباننده گاه درشت با سطح مات (کدر) و لعاب گلی غلیظ
 قرمز رنگ بوده که گاهی اوقات به رنگ کرم در آمده است.
 تقریباً نقش تمام سطح بیرونی ظروف را نقوش هندسی در بر
 گرفته است. ظروف اغلب به شکل‌های دهانه باز، دهانه عمودی
 و ظروف نیم کروی هستند. از نظر فرم ظروف و نقوش (هندسی
 سیاه، قرمز و قهوه‌ای) با ظروف دالمای منقوش تک رنگ به
 دست آمده از لایه‌های پایینی تپه B سه‌گابی (Young &

مس و سنگ میانی (سنت سفالی دالما) است. شش محوطه مذکور در قسمت شمالی و شرقی دشت گاورود قرار دارند که جهت شیب آنها به سمت دشت و در قسمت آفتاب‌گیر قرار گرفته‌اند؛ این امر نشانگر توانایی انتخاب مکان با متغیر آب و هوایی است.

گروه دوم شامل سه محوطه کلاویل (SK. 212)، قل‌قلعه (SK. 209) و نادعلی‌بیگ (SK. 218) است. این محوطه‌ها در ارتفاع ۱۶۵۰ تا ۱۷۰۰ متر قرار دارند. هر سه محوطه در مرکز دشت، همجوار با رودخانه دایمی گاورود و در میان زمین‌های کشاورزی با قابلیت آبیاری قرار گرفته‌اند. شیب این محوطه‌ها بسیار اندک و در پست‌ترین بخش دشت و در مرکز آن واقع شده‌اند. وسعت محوطه‌های این گروه حدود یک هکتار و بعضاً بیشتر از یک هکتار است (برای نمونه محوطه نادعلی‌بیگ ۱/۴ هکتار وسعت دارد). در این سه محوطه تنها سفال‌های مربوط به فرهنگ دالما بدست آمده و هیچ توالی در این استقرارها دیده نمی‌شود، گرچه برای درک این مسأله نیاز به لایه نگاری و بررسی بیشتر است.

دشت‌های سنقر و کلیایی به دلیل دارا بودن امکانات زیست محیطی مناسب از قبیل مراتع، زمین‌های مناسب کشاورزی، فراوانی منابع آب و بهره بردن از دیوارهای دفاعی طبیعی از دیرباز به عنوان سکونت‌گاهی مناسب همواره مورد توجه بوده است. اکثر محوطه‌های پیش از تاریخی (خصوصاً محوطه‌های دالمایی) دشت سنقر در مناسب‌ترین مکان‌ها که دارای غنی‌ترین امکانات زیست محیطی بوده، واقع شده‌اند. بطوریکه این مکان‌ها هم اکنون نیز به عنوان محل استقرار مورد توجه هستند. تمامی محوطه‌ها در حاشیه رودخانه دائمی گاورود و سرچشمه‌های آن و یا در کنار چشمه‌ها، قنات‌ها و سراب‌های پرآب واقع شده‌اند که وابستگی حیات و سکونت انسان به ضروری‌ترین عامل زیست محیطی یعنی آب را نشان می‌دهد. تمامی محوطه‌های این دوره در فاصله زیر ۱۰۰ متر نسبت به چشمه‌ها و قنات‌ها شکل گرفته‌اند که نشان‌دهنده وابستگی استقرارها به منابع آبی است. با توجه به این که برخی از استقرارهای منطقه در این دوره در ارتفاع بیش از ۱۸۰۰ متر قرار دارند و با در نظر گرفتن سرمای شدید منطقه در فصل پاییز و زمستان، و همچنین دیگر

مورد گسترش فرهنگ دالما و سنت سفالی آن معطوف به شمال غرب ایران و بخشی از زاگرس مرکزی و همچنین در خارج از مرزهای سیاسی کنونی ایران از جمله شمال عراق و حوزه قفقاز به طور عام و دشت‌های ماهیدشت و کنگاور به طور خاص می‌شود؛ اما در یکی دو سال اخیر پژوهش‌های باستان‌شناختی صورت گرفته حاکی از گستره بزرگتری از این فرهنگ است. بنابراین لزوم انتشار پژوهش‌های مورد ذکر در این رابطه آگاهی ما را نسبت به درک چگونگی ارتباط بین منطقه‌ای در ابعاد گوناگون دو چندان می‌کند.

عدم پژوهش‌های هدفمند و پیوسته در منطقه مورد نظر آگاهی ما را در مورد فرهنگ‌های پیش از تاریخی به حداقل رسانیده و اطلاعات چندانی در این باره در دست نیست و تاکنون هیچ کاوش یا لایه‌نگاری از یک محوطه پیش از تاریخی این منطقه انجام نشده است. بر این اساس پی بردن به درک فرهنگ‌های پیش از تاریخی (خصوصاً محوطه‌های دارای نهشته‌های دوره دالمایی) منطقه و نقش آن به عنوان منطقه بینابینی (مابین زاگرس مرکزی و شمالی) مستلزم کاوش و لایه‌نگاری محوطه‌هایی چون تپه خدائی، شیخ‌جلیل، تپه ورز، کلک‌جار و غیره است.

الگوی استقرار محوطه‌های وابسته به فرهنگ دالما در منطقه مورد نظر بر اساس چندین فاکتور از جمله موقعیت طبیعی و جغرافیایی (زیست محیطی)، رقوم ارتفاعی، فاصله تا منابع آبی، شیب، وسعت و توالی گاه‌نگاری در قالب دو گروه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

گروه نخست شامل شش محوطه (SK. 042, 049, 063, 081, 190, 199) است که با توجه به متغیرهای فوق دارای ویژگی‌های مشترکی هستند. رقوم ارتفاعی این محوطه‌ها بین ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ متر از سطح دریا است. تمامی آنها در دامنه ارتفاعات واقع و دسترسی به مراتع به سهولت امکان‌پذیر بوده؛ اگرچه در مجاورت محوطه‌ها زمین‌های کشاورزی با قابلیت دیم وجود دارد. اکثر محوطه‌های این گروه در کنار چشمه‌ها و مسیل‌های فصلی واقع شده‌اند. مساحت (رده-اندازه) اکثر آنها زیر نیم هکتار است. بیشتر محوطه‌ها چند دوره‌ای‌اند و تنها تپه ورز (SK. 190) است که با توجه به یافته‌های سطحی به دوره

سپاسگزاری

از آقایان دکتر امیر ساعدموچشی و سجاد علی‌بیگی برای بازخوانی متن و راهنمایی‌های ارزشمندشان سپاسگزاریم.

فاکتورهای اشاره شده فوق، احتمالاً تعدادی از استقرارها (گروه نخست) مربوط به اجتماعاتی نیمه یکجانشین با تکیه بر اقتصاد دامپروری است.

منابع

الف) فارسی

فرهنگ‌های پیش از تاریخی دشت سنقر، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه غرب (کرمانشاه)، گزارش‌های باستان‌شناسی (۸)، پژوهشگاه ۱۳۹۱، صص ۴۶-۳۱.

بختیاری، ذبیح الله، ۱۳۸۷، بررسی باستان‌شناسی بخش موجش شهرستان کامیاران، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).

حیدریان، محمود، ۱۳۸۳، بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان سنقر، فصل اول، مرکز اسناد میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).

بشکنی، امیر، ۱۳۸۸، بررسی غارها و پناهگاه‌های سنگی شهرستان سنقر کلیایی، مرکز اسناد میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).

_____، ۱۳۸۵، مطالعه و بررسی روشمند تپه خدایی سنقر، چکیده مقالات همایش باستان‌شناسی ایران: حوزه غرب (کرمانشاه)، انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص ۱۸۸-۱۸۷.

_____، مؤگان جایز، مریم دهقان و یدالله حیدری، ۱۳۸۸، غار بهلول: استقرار نویافته پارینه‌سنگی در دشت کلیایی، استان کرمانشاه، مجله باستان‌پژوه، نشریه علمی انجمن دانشجویی باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۸، صص ۳۳-۲۴.

_____، ۱۳۸۸، فصل دوم بررسی و بازنگری آثار باستانی شهرستان سنقر، مرکز اسناد میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).

_____، مؤگان جایز، مریم دهقان، مانا جامی‌الاحمدی و یدالله حیدری، ۱۳۹۱، گزارش بررسی غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای شهرستان سنقر، استان کرمانشاه، نشریه مطالعات باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، صص ۳۳-۵۸.

حیدری، محسن، ۱۳۸۹، سفال دالما (بررسی و مقایسه تطبیقی بر اساس بررسی سفال‌های بستان‌آباد آذربایجان شرقی و غربی و سرفیروزآباد کرمانشاه و حوزه گسترش آن)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۶، کاوش‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی پشت سد گل‌آبر زرنجان، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

ساعدموچشی، امیر، ۱۳۹۰، بررسی الگوهای استقرار محوطه‌های دوره مس و سنگ شرق استان کردستان (حوزه آبگیر رودخانه قزل اوزن)، پایان‌نامه دکتری، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

خسروی، شکوه، حمید خطیب شهیدی و سجاد علی‌بیگی، ۱۳۸۸، حوضه آبریز اهررود در دوره مس و سنگ: مروری بر استقرارهای دالمایی حاشیه شمالی غربی مرکز فلات ایران، پیام باستان‌شناس، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، سال ششم، شماره دوازدهم، صص ۵۲-۳۷.

مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۹، کاوش‌های محوطه باستانی ازبکی (جلد اول و دوم)، تهران: انتشارات اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.

خطیب شهیدی، حمید، محمود حیدریان و حسن باصفا، ۱۳۸۵،

پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

نوری، نادر، ۱۳۸۹، بررسی و شناسایی بخش مرکزی شهرستان کامیاران، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).

نوری، نادر، ۱۳۹۰، الگوی استقرار دوره مس و سنگ کامیاران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

نیکنامی، کمال‌الدین، ۱۳۹۰، بررسی باستان‌شناختی سرفیروزآباد کرمانشاه، بایگانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).

مویدی، کیومرث، ۱۳۸۸، سنقر در گندم‌زار کلیایی، تهران: نشر پرتو واقعه.

معصومی، غلامرضا، ۱۳۸۳، تاریخچه علم باستان‌شناسی در ایران، تهران: انتشارات سمت.

مقدم، عباس، اردشیر جوانمردزاده، شهرام عبدالوند و حمید قربانی، ۱۳۸۷، پروژه باستان‌شناسی سیمره (فصل دوم)، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

موسوی کوهپر، سید مهدی و محمود حیدریان، ۱۳۸۷، بررسی فراگیر باستان‌شناسی دشت سنقر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۵۹، شماره ۳-۱۸۵، بهار ۱۳۸۷.

مهاجری‌نژاد، عبدالرضا و نعمت‌الله سراقی، ۱۳۸۹، کاوش باستان‌شناختی در محوطه چشمه رجب (گزارش فصل دوم)، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، آرشو

(ب) غیرفارسی

Abdi, K. 2002, *Strategies of Herding: Pastoralism in the Middle Chalcolithic Period of the West Central Zagros Mountains*, Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology, The University of Michigan.

Brown, B. T., 1951, *Excavation in Azerbaijan, Iran. 1948*, Thon Murray. London.

Dyson, R. H & Young, T. C. Jr., 1960, The solduz valley. Iran, Pisdeli tepe, *Antiquity*, Vol. XXXIV, pp. 19-28.

Goff, C. L., 1971, Luristan before the Iron Age, *IRAN*, Vol. IX, pp. 131-152.

Henrickson, E. F., 1983, *Ceramic styles and cultural interaction in the early and middle chalcolithic of the central Zagros, Iran*, Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology, University of Toronto, Canada.

—————, 1985, An Update Chronology of the early and middle Chalcolithic of the central Zagros Highland, Western Iran, *IRAN*, Vol. XXIII, pp. 68 -108.

—————, & Vitali, V., 1987, The Dalma tradition: prehistoric inter-Regional Cultural Integration in Highland Western Iran, *Paleorient*, Vol. 13/2, pp. 37-45.

Hamlin, C., 1975, Dalma Tepe, *IRAN*, Vol. XIII, pp. 111-128.

Hole, F., 2011, Interaction Between Western Iran and Mesopotamia from the 9th-4th Millennia B. C., *Iranian Journal of Archaeological Studies*, Vol. 1, pp. 1-14.

Kiguradze. T. & Sagona. A., 2003, On the origins of the Kura-Araxes cultural complex, in: *Archaeology in the Borderlands investigation in Caucasia and beyond*, Smith, A. T., & Rubinson, K. S., (eds.), pp. 38-94.

Majidzadeh, Y., 1978, Corrections of the Internal Chronology for the Sialk III Period on the Basis of the Pottery sequence at Tape Ghabristan, *IRAN*, Vol. 16, pp. 93-101.

—————, 1981, Sialk III and the Pottery Sequence at Tape Ghabristan: The Coherence of the cultures of The Iranian Central Plateau, *IRAN*, Vol. 19, pp. 141-146.

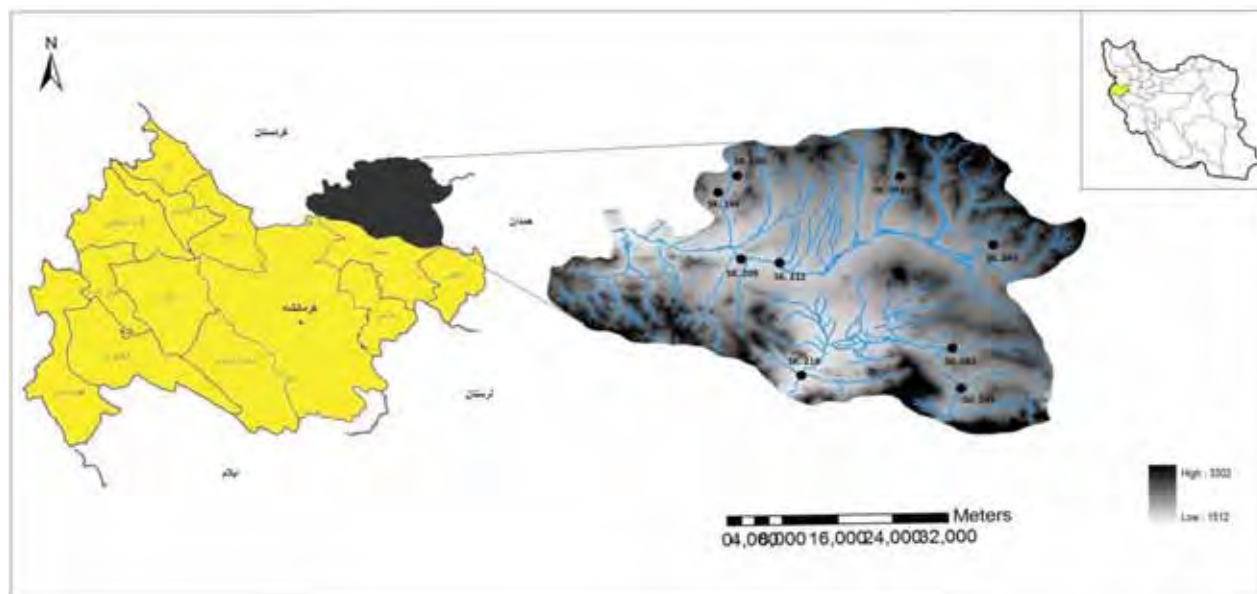
Levine, L. D., & Young, T. C. Jr., 1986, A Summary of the Ceramic Assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the Late Third Millennium B.C., in: *Prehistoire de la Mesopotamie*, Hout, J.L., (ed.), Editions du CNRS, Paris. pp. 15-53.

Tonoike, Y., 2009, Beyond Style: Petrographic Analysis of Dalma Ceramics in two Regions of

Iran, Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology, New Haven: Yale University.

Young, T. C. Jr., & Levine, L. D., 1974, *Excavations at Godin Tepe; Secound Progress Report*, Occasional Paper 26, Art and Archaeology, Royal Ontario Museum (ROM).

تصاویر



شکل ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی منطقه و پراکندگی استقرارهای دالمایی سنقر و کلیایی.



تصویر ۲: نمایی از محوطه کلک جار (دید از جنوب).



تصویر ۱: نمایی از محوطه ورز (دید از غرب).



تصویر ۴: نمایی از محوطه خدائی (دید از جنوب غربی).



تصویر ۳: نمایی از محوطه ناد علی بیگ (دید از شمال).



شکل ۲: نمونه‌های از سفال‌های محوطه‌های دشت سنقر و کلیایی.



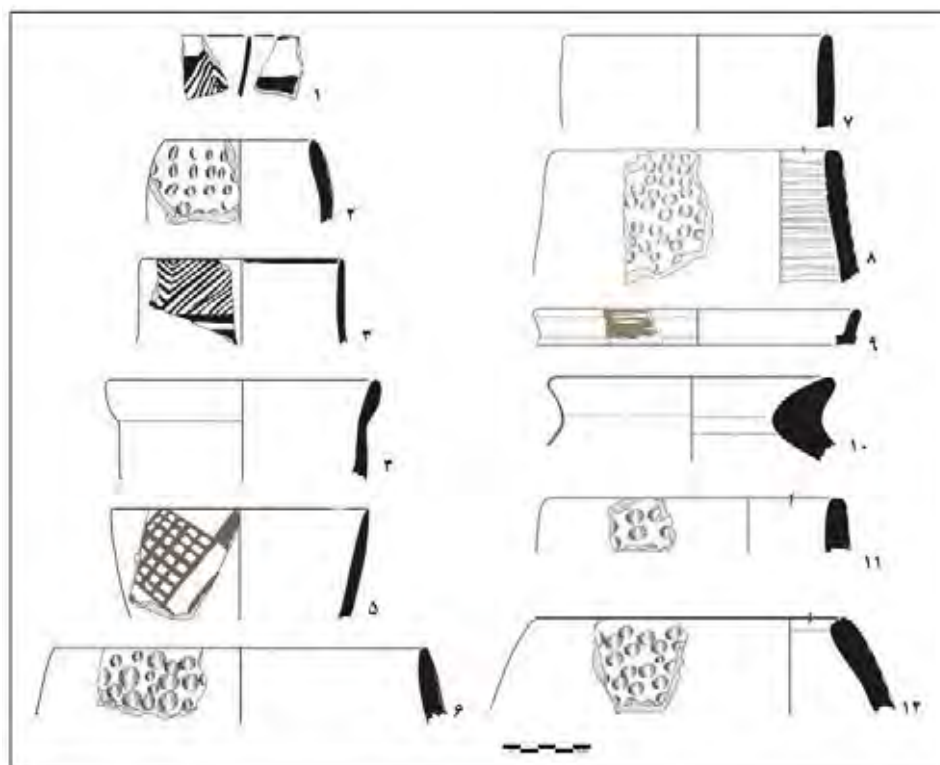
شکل ۳: نمونه‌های از سفال‌های محوطه‌های دشت سنقر و کلیایی.



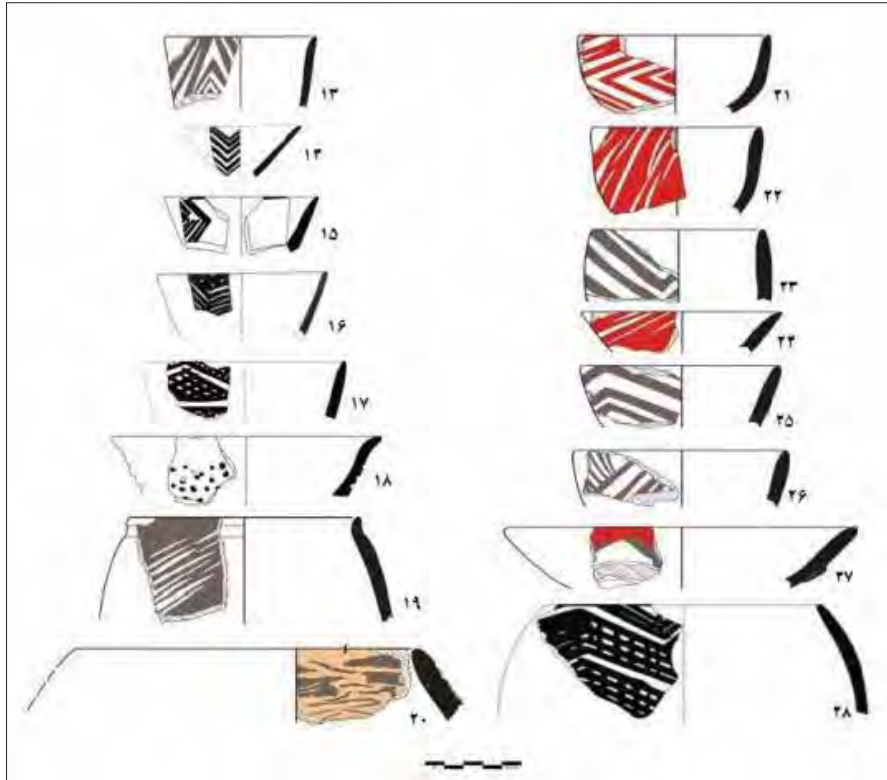
شکل ۴: نمونه‌های از سفال‌های محوطه‌های دشت سنقر و کلیایی.



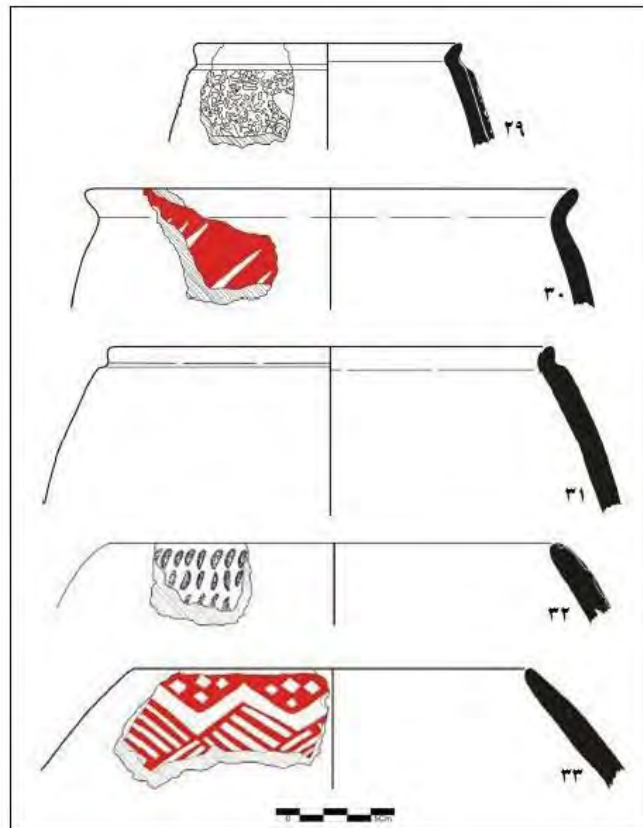
شکل ۵: نمونه‌های از سفال‌های محوطه‌های دشت سنقر و کلیایی.



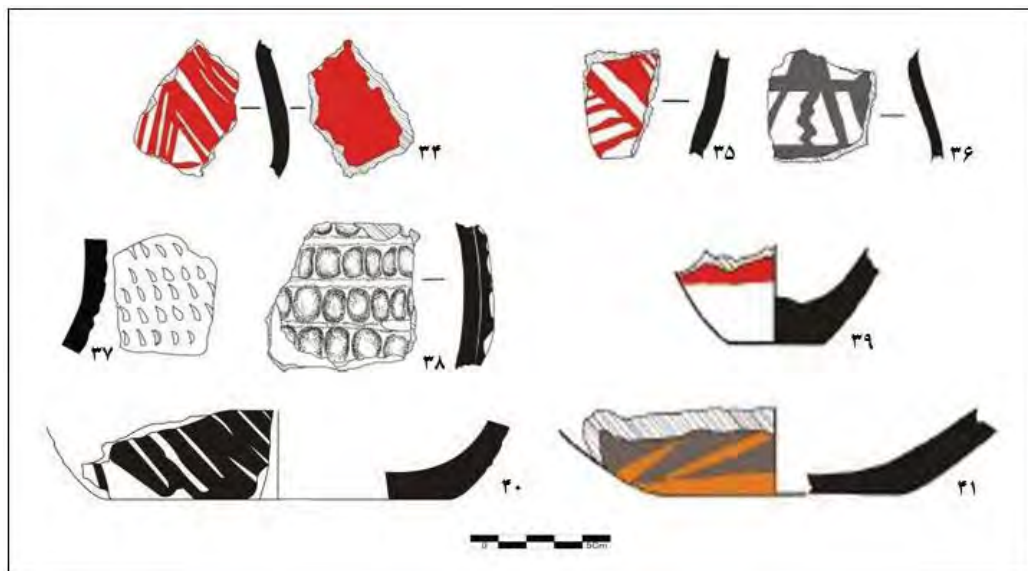
تصویر ۵: نمونه‌های از سفال‌های دالمایی محوطه ورز.



تصویر ۶: نمونه‌های از سفال‌های دالمایی محوطه ناد علی بیگ.



تصویر ۷: نمونه‌های از سفال‌های ساده قرمز و منقوش دالمایی محوطه کرد مزرع.



تصویر ۸: نمونه‌های از سفال‌های منقوش دالمایی محوطه تپه خدائی.